

تفاوت کلام مرحوم آخوند و باقلانی :

باقلانی :

صلوة قبل از اسلام و بعد از اسلام به معنای دعا بوده با تفاوت های مصداقی

کلام آخوند :

صلوة قبل از اسلام و بعد از اسلام به معنای نماز بوده با تفاوت های مصداقی

ما

می گوییم :

دریاره بند سوم

در انجیل برنابا لفظ صلوة به کار رفته است

قبل از اسلام، لفظ صلوة در معنای نماز استعمال نمی شده است

صلوة در مسیحیت هم به معنای دعا استعمال شده است
و آن معنی غیر از معنای نماز است که در اسلام مطرح است

و لذا وجود این لفظ در شرایع سابقه مانع از ثبوت حقیقت شرعیه نیست

کلام مرحوم
نائینی

مقدمه
چهارم

اقوال در
مسأله

درباره درباره کلام مرحوم نائینی

صلاة در شرایع سابقه به معنای دعا نیست
بلکه دعایی خاص است که در مقام عبادت خاصه به جای آورده می شود

لذا نسبت صلوة مسیحیت و یهودیت با دعا :
چیزی است در حدود نسبت صلوة اسلام با دعا

ما می گوئیم

درباره بند هفت

در صحت مجاز، لازم نیست مجاز در محدوده علاقه های ۲۵ گانه مشهور باشد
بلکه اگر طبع بپسندد کافی است

کلام مرحوم
مروج

مراد ایشان اصل علاقه است و به علاقه های ۲۵ گانه اشاره نکرد.
ایشان می خواهد بگوید اگر هیچ علاقه ای نبود چگونه به مجاز قائل می شوید؟

علت اینکه ایشان می فرماید: «مؤید» ظاهراً آن است که :
بودن یا نبودن علاقه در یک مورد، امری نیست که مورد اتفاق همه باشد

ما می گوئیم

مقدمه

چهارم

اقوال در

مسأله

دریاره بند سوم

حقیقت لغوی یعنی : معنایی که قبل از اسلام از لفظ فهمیده می شده است
فرقی نمی کند که واضع آن، شرایع سابق بوده اند یا اعراب جاهلی

اما به دو شرط واضع این معانی شارع اسلام نیست :
۱. انتشار در جزیره العرب ۲. سرایت فرهنگ آنها به اعراب

پس اگر معانی بوده اما لفظ های فعلی برای آن نبوده است
یا اگر اصلا این معانی نبوده است، حقیقت شرعیه پدید می آید

مقدمه

چهارم

اقوال در

مسأله

ما می گوئیم

دریاره بند سوم

آیات شریفه نمی تواند اثبات کند :
این الفاظ در شرایع سابقه در معنای شرعی بوده است

چراکه اگرچه در مسیحیت، نماز موجود بوده ولی لفظ آن «صلوة» نبوده
و اشاره قرآن به معنای آن است

اگر این الفاظ در قرآن به کار رفته به این خاطر است که این الفاظ در عرف
شریعت اسلامی مطرح بوده است (حقیقة أم مجازاً)

اشکال فرزند
مرحوم آخوند
بر ایشان

مقدمه
چهارم

اقوال در
مسأله

تکلم حضرت سلیمان بن داود علیه السلام به زبان های مختلف
عبادات را به الفاظ عربی ای که امروزه نزد ما متداول است می نامیده است

بلکه انبیاء دیگر هم چنین بوده اند

اشکال فرزند
مرحوم آخوند
بر ایشان

مراد از حقیقت شرعیه آن نیست که واضع شارع باشد
و الا وضع تعینی را پدید آورنده حقیقت شرعیه نمی دانستند

مراد از حقیقت شرعیه :

یک لفظ در میان اعراب قبل از اسلام به معنای دیگری بوده و بعد از اسلام به
معنای جدید است

وضع سلیمان نبی ضرری به حقیقت شرعیه بودن نمی زند

چراکه بالأخره وضع سلیمان بن داوود در اعراب پیش از اسلام یا اصلاً مطرح
نبوده و یا مهجور بوده است

الشاهد علی ذلک : اگر لغتی را شارع گفت، نمی دانیم آن لفظ را مطابق با فهم
عرف عرب، استعمال کرده و یا در معنایی که امروزه در شریعت مطرح است.

ما می گوئیم

مقدمه

چهارم

اقوال در

مسأله

درباره بند ششم

اگر مرادتان تبادر معنای نماز از لفظ صلوة است :

این تبادر مسلّم است ولی نمی تواند ثابت کند که در زمان شارع هم چنین بوده

تبادر فی زمان الشارع ثابت شدنی نیست مگر به کمک استصحاب قهقری

که آن هم معارض است با اصل عدم نقل

پس تبادر ثابت می کند حقیقت متشرعیه را و نه حقیقت شرعیه را

کلام مرحوم

مروج